

حقوق بین الملل خصوصی

مبحث سوم - تحصیل تابعیت ایرانی

بموجب اصل حقوق خون و اصل حقوق خاک

بکسی تحصیل نمود بلکه داوطلب باید آنرا استدعا کند و دولت هم اگر مایل باشد آنرا غیماًتاً اعطا کند چه قبول یک نفر تبعه خارجه به تابعیت دولت دیگر از اعمال حاکمیت دولت اخیر است و دولت مزبور می تواند استدعای داوطلب را قبول یا رد کند حال باید شرایط و تشریفات و اثرات کسب تابعیت ایران را ذکر نمود.

۱ - در شرایط

مطابق ماده ۹۷۹ قانون مدنی اتباع خارجه که دارای شرایط ذیل باشند میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

اول - داشتن ۱۸ سال تمام .

دوم - سکونت در ایران مدت پنج سال متوالی یا متناوب .

سوم - فراری نبودن از خدمت نظام .

چهارم - عدم محکومیت به جرمه و جنایات

غیر سیاسی .

الف - شرط سن

چون مطابق این شرط برای کسب تابعیت ایران

داشتن ۱۸ سال تمام کافی است لذا هر تبعه خارجه که دارای

این سن بوده و واجد شرایط دیگر نیز باشد میتواند

تقاضای تابعیت ایران را بنماید اگرچه مطابق قانون دولتی

متبوع خود کبیر محسوب نشود .

ب - شرط سکونت

تبعه خارجه که میخواهد کسب تابعیت ایران را بنماید

باید لااقل دارای روابطی با کشور ایران باشد که در آنها

بموجب بند اول ماده ۹۷۹ قانون مدنی کلیه ساکنین ایران باستثناء کسانی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد تبعه ایران محسوب میشوند . در مورد این بند مقتضین هم اصل حقوق خون و هم اصل حقوق خاک را اعمال نموده و از يك طرف کلیه ساکنین ایران باید متولد در خاک ایران محسوب شوند . مادام که خلاف آن ثابت نشده است و از طرف دیگر کلیه ساکنین ایران باید متولد از پدر ایرانی محسوب شوند مادام که تبعیت خارجی پدر آنها محرز نگردیده . پس وقتی که قانون گذار کلیه ساکنین ایران را مادام که تبعیت خارجی آنها مسلم نشده است تبعه ایران محسوب بدارد این حکم خود را هم متکی باصل حقوق خاک و هم مبتنی باصل حقوق خون قرار میدهد .

فصل سوم

در تابعیت اکتسابی

بطوری که سابقاً مذکور شد تابعیت اکتسابی یا در

اثر ترك تابعیت خارجی و کسب تابعیت ایران است و یا در

اثر ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی .

مبحث اول

ترك تابعیت خارجی و کسب تابعیت ایران

کسب تابعیت ایران برای یک نفر تبعه خارجی امری

است اختیاری و بر عکس تابعیت اصلی که در اثر حقوق

خون بیک نفر تحصیل میشود تابعیت اکتسابی را نمیتوان

بتوان او را طرفدار منافع ایران تشخیص داد و بنظر مقنن این رابطه وقتی ایجاد میشود که شخص مذکور مدتی در ایران سکونت کرده باشد و این مدت عبارت از پنج سال است اعم از متوالی یا متناوب زیرا بنظر مقنن تبعه خارجی که پنج سال متوالی یا متناوب در ایران سکونت داشته باشد بدفعات متعدده بایران آمده و رو بهم رفته پنج سال در ایران مانده و بمقام استعدای تابعیت ایران برآید شخص باید ملتفت شود که بکشور ایران علاقه پیدا کرده است و میخواهد خود را داخل ملت ایران کند . پس در حقیقت شرط سکونت فی حد ذاته مهم نبوده بلکه اهمیت آن از این جهت است که کاشف علاقه تبعه خارجه بایران میباشد و بهمین جهت جمله اخیر ماده مدت اقامت در خارجه را برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران قرار داده است چه در این صورت نیز اگر يك نفر تبعه خارجه پنج سال متوالی یا متناوب عمر خود را در خاک خارجه بخدمت ایران صرف کند بین او و کشور ایران علاقه کافی پیدا میشود که اعطا تبعیت ایران را باو ايجاب میکند و در تعقیب همین فکر است که مطابق ماده ۵ قانون مدنی کسانی که بامور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است بتبعیت ایران شناخته شوند .

ج - شرط فراری نبودن از خدمت نظام
 برای تبعه خارجه که تقاضای تابعیت ایران را میکند میتوان دو مورد فرض نمود . اول : این تقاضا را بعد از رسیدن بسنی میکند که مطابق قانون کشور شروع او برای خدمت نظامی مقرر است . دوم : تقاضا را قبل از رسیدن باین سن میکند .
 هر گاه تبعه خارجه تبعیت ایران را بعد از رسیدن بسن نظام وظیفه تقاضا کند باید ثابت شود که در کشور اصلی خود فراری از خدمت نظام وظیفه نبوده است زیرا تبعه دولتی که نخواسته است برای مین خود خدمت کند چه اطمینان میتوان حاصل کرد و چطور میتوان قبول نمود که تبعه صدیقی برای کشور دیگر باشد ؟

در صورت دوم یعنی در موقعی که تبعه خارجه تابعیت ایران را قبل از رسیدن بسن نظام تقاضا مینماید دیگر شرط راجع بخدمت نظام منتفی خواهد شد مع ذلک نکته ای که باید جالب توجه باشد این است که اگر شخص مزبور فقط بخیال فرار از خدمت نظام کشور خود این تقاضا را کرده باشد آیا میتواند او را فاقد شرط تصور نمود یا نه ؟ چون دولت ایران در رد و قبول تقاضا آزاد است حق این اشکال نیز بعهده کسانی خواهد که باید نسبت به سوابق تقاضا کننده تحقیقات نموده یا در حله نهائی تقاضای او را رد یا قبول نمایند و در هر حال چون برای تبعه خارجه اثبات انجام خدمت نظامی در کشور خود امر آسانی نیست و ممکن است که دولت متبوع او برای جلوگیری از ترك تابعیت ازدادن چنین تصدیقی مضایقه نماید و بعدها کشف شود که این شخص بتبعیت ایران قبول شده است در حالی که خدمت نظامی را انجام نداده لذا ماده ۹۸۱ مقرر میدارد: هر گاه تا پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهند نمود .

د - شرط عدم محکومیت
 مطابق شق چهارم از ماده ۹۷۹ قانون مدنی تقاضا کننده تابعیت ایران باید در هیچ کشوری بجنحه مهم و جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشد . پس محکوم بودن بجنحه های عادی کوچک و یا جنحه و جنایت سیاسی مانع از تحصیل تابعیت ایران نخواهد بود چه تعقیب اشخاص بانها جنحه و جنایات سیاسی و محکومیت آنها از این حیث دال بر این نیست که آن اشخاص مجرمین خطرناک بوده و ورود آنها بجامه يك ملت مضر بحال آن ملت میشود بلکه غالباً کسانی که متهم بجنحه و جنایات سیاسی بوده و محکوم میشوند اشخاصی نیستند که فدای اغراض یا دستهای سیاسی شده و از حیث شرافتمندی بتوان ایرانی وارد آورد و همچنین کسانی را که برای ارتکاب جنحه کوچک محکوم شده اند نمیتوان عضو فاسد و یا مجرم خطرناک تشخیص داد و

بهمن جهت استکه قانون گذار محکومیت بجنحه و جنایات های سیاسی را و یا جنحه کوچک غیر سیاسی را مانع از تحصیل تابعیت ایران قرار نداده است .
در موضوع شرط عدم محکومیت نیز چون برای تقاضا کننده تابعیت ایران اثبات آن مشکل است .

تشریفات راجع بکسب تابعیت ایران

ماده ۹۸۱ قانون مدنی ایران حکمی را که برای فراریان از خدمت نظامی ایجاد نموده است برای محکوم به جنحه و جنایات نیز مقرر داشته و مطابق ماده مزبور اگر قبل از انقضاء مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت بجرم یا مجازات مرور زمان حاصل میشود معلوم گردد شخصی که تبعیت ایران قبول شده محکوم به جنحه مهم و یا محکوم بجنایات عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد

در موضوع شرایطی که برای کسب تابعیت ایران لازم است این اشکال ممکن است پیش آید که آیا تبعه خارجه میتواند بدون اجازه دولت متبوع خود تابعیت خود را ترک و تابعیت ایران را تحصیل کند یا نه ؟

اگر چه برای لزوم این اجازه ممکن است که استدلال شود بشرق دوم از ماده ۹۸۸ قانون مدنی بربطوق این ماده تبعه ایران اجازه ترک تابعیت ندارد مگر با اجازه و تصویب هیئت وزراء بنا براین دولت ایران نیز نباید تبعه خارجه را بتبعیت خود قبول کند مگر با اجازه دولت متبوع آن تبعه خارجه ولی این استدلال صحیح نخواهد بود چه مسلم است که هیچ دولتی بتبعه خود اجازه نخواهد داد که تابعیت آنرا ترک و تبعیت دولت دیگر را قبول کند و اگر هم این اجازه را میدهد بندرت بوده و یا دربارہ اشخاصی خواهد کرد که آندولت از وجود آن ها بیزار است و میخواهد از میان اتباع خود اخراج کند

پس اگر اجازه دولت متبوع تبعه خارجه شرط قبول تابعیت ایران میشود ورود بکنفر تبعه خارجه بتابعیت ایران امری میگشت تقریباً محال و چنانکه ممکن است دولتهای دیگر بکنفر تبعه ایران را بتابعیت خود قبول کند اگر چه هیئت دولت ایران خروج او را از تابعیت ایران تصویب نکرده باشد

دوم . تصدیقنامه شهربانی دایر بتعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش پس از آنکه درخواست و ضامم آن بوزارت امور خارجه تسلیم شد وزارت خانه مزبور در صورت لزوم اطلاعات راجعه بشخص تقاضا کننده را تکمیل و آنرا به هیئت وزراء ارسال میدارد تا هیئت وزراء در قبول یا رد تقاضا تصمیم مقتضی اتخاذ کند و هر گاه درخواست تابعیت قبول شد وزارت امور خارجه سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم می نماید

اقدام هیئت وزراء راجع برد یا قبول تقاضای تابعیت از جمله اعمال حاکمیت دولت است و چون قانون مرجع شکایتی تعیین نکرده است تا تقاضا کننده در صورت رد تقاضای او و اشخاص ذی نفع در صورت قبول بتوانند بانجا شکایت نمایند بنابراین تصمیم هیئت وزراء قطعی است

اثرات کسب تابعیت

در قانون تابعیت مقررات مخصوصی موجود نیست که بوسیله آن بتوان معین نمود تحصیل تابعیت ایران از

رسیدن به ۱۸ سال تمام میتواند باظهاریه کتبی بوزارت امور خارجه داده تابعیت کشور سابق پدر یا شوهر را قبول کنند لیکن باظهاریه اولاد ذکور باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

پس مطابق این ماده زن و اولاد صغیر کسی که تحصیل تابعیت ایران مینماید بمحض صدور سند تابعیت شوهر و یا پدر آنها تبعه ایران میشوند منتهای مراتب بانها حق داده میشود که زن تبعه تا یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر خود و اولاد صغیر یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام تبعیت سابق شوهر و یا پدر خود را قبول کنند لیکن اولاد اعم از ذکور یا اناث باید با ضمیمه کردن تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ثابت نمایند که آیا دولتی که سابقاً پدر آنها تبعه آن دولت بود اولاد مزبور را تبعه خود خواهد شناخت.

جای تأسف است که قانون این شرط را فقط برای اولاد الزامی کرده است و حال آنکه بایستی شرط مزبور برای زن و اولاد مقرر شده باشد. چه هر گاه دولتی که قبلاً شوهر زن تبعه آن بوده آن زن را بتبعیت خود نشناسد زن مزبور بلا تابعیت خواهد بود مگر اینکه مقیم در ایران باشد که بموجب بند اول ماده ۹۷۶ از جمله سکنه ایران که تابعیت خارجی آنها مسلم نیست محسوب و از این حیث تبعه ایران شناخته شوند.

تحصیل تابعیت ایرانی از طرف یک نفر نسبت با اولاد از آنکه در تاریخ تقاضا نامه او بسن ۱۸ سال تمام رسیده اند مؤثر نمیشود چنانکه همین حکم را ماده ۹۸۵ صراحتاً مقرر داشته است.

چه تاریخ تولید اثر می کنند ولی از ماده ۹۸۲ قانون مدنی میتوان استنباط کرد که کسب تابعیت ایران از تاریخ صدور سند تابعیت تولید اثر می نماید چه بطوریکه ملاحظه خواهد شد اشخاصیکه تحصیل تابعیت ایرانی کرده یا می نمایند تا انقضاء ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت می توانند بعضی از مقامات نائل گردند.

پس مبدأ تولید اثر از تاریخ صدور سند تابعیت است. اثرات کسب تابعیت ایران راجع است بخود آن کسی که تقاضای تابعیت را نموده است و یا با اعضاء خانواده او
الف - اثرات تابعیت نسبت بخود تقاضا کنندگان:
مطابق ماده ۹۸۲ اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران را نموده و یا مینمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند میشوند لیکن اشخاص مزبور نمیتوانند بمقام وزارت یا کفالت وزارت یا هر گونه مأموریت سیاسی در خارج نائل گردند و به علاوه این اشخاص نمیتوانند تا مدت ۱۰ سال از تساریخ صدور سند تابعیت به مقامات دیگر نائل گردند:

- ۱- عضویت مجالس مقننه.
- ۲- عضویت انجمن های ایالتی و ولایتی شهرداری.
- ۳- استخدام در وزارت امور خارجه.

ب- اثرات تابعیت ایران نسبت بخانواده

تحصیل تابعیت ایران نسبت بزنان اولاد صغیر کسی نیز که تابعیت مزبور را کسب می کنند تولید اثر مینماید چه مطابق ماده ۹۸۴ زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق مقررات قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ